

چالش های داخلی فراروی حزب اسلامی حکمتیار در توافق صلح با دولت افغانستان

فرزاد رضانی بونش

پژوهشگر مسائل منطقه ای

توافق صلح با دولت افغانستان

توافقنامه صلح با حزب اسلامی حکمتیار اخیراً به وسیله «حنیف اتمر» به نمایندگی از دولت کابل، «امین کریم» به نمایندگی از حزب اسلامی حکمتیار و «عطا الرحمن سلیم» معاون شورای عالی صلح افغانستان، به امضا رسید و در نهایت نیز این سند به امضای پیر گیلانی رسید. این توافقنامه صلح دارای سه فصل و بیست و پنج ماده می باشد. فصل اول شامل اصول اساسی مربوط به رعایت و پیروی از دین اسلام، تحقق قانون اساسی و چگونگی خروج نیروهای نظامی خارجی از افغانستان است و در فصل دوم بخش اول وظایف دولت افغانستان را در قبال حزب اسلامی و بخش دوم وظایف های حزب اسلامی را روشن می کند. دولت تعهدات فراوانی را در قبال حزب اسلامی در این بخش بعهده گرفته است و امتیازاتی نیز به این حزب داده است

در واقع تعهداتی چون رفع تحریم های وضع شده علیه رهبر و اعضای حزب اسلامی با مراجعه به سازمان ملل متحد و مجامع بین المللی، فراهم کردن شرایط زندگی رهبر و اعضای حزب، حق فعالیت سیاسی حزب اسلامی و احترام رهبر جهادی افغانستان گلبدین حکمتیار، مصونیت قضایی رهبر و اعضای حزب اسلامی را در رابطه با اقدامات سیاسی و نظامی گذشته، رهایی زندانیان حزب اسلامی، مشورت و حضور حضور رهبری حزب در تنظیم سیاست های مهم کشوری، جذب نیروهای مسلح حزب اسلامی به ارگان های دفاعی و امنیتی و بازگرداندن حقوق مامورین و افسران نظامی حزب اسلامی و.. مد نظر است. در این حال در بخش دیگری وظایف حزب اسلامی چون اعلام رسمی قطع جنگ و خشونت و تسلیم اسرا، فعال نمودن دفاتر حزب، قطع رابطه با سازمان های تروریستی و وظیفه، یاری دولت در تامین صلح و ثبات مد نظر قرار گرفته است. در این حال هر چند توافقنامه صلح میان دولت افغانستان و حزب اسلامی گلبدین حکمتیار نهایی شده است، ولی همچنان چالش های مهم داخلی فراروی آینده حزب اسلامی حکمتیار و توافق صلح با دولت افغانستان موجود است.

چالش های داخلی فراروی حزب اسلامی حکمتیار در توافق صلح با دولت افغانستان :

نوع تقسیم بندی جناح های داخلی حزب و انشعاب

در گذشته بعضی از اعضای حزب اسلامی تلاش کردند تا با حامد کرزای به تفاهم برسند، لذا در برنامه (ادغام مجدد) یعنی برگرداندن مخالفین مسلح به زندگی عادی و شرکت در رقابت سیاسی بجای جنگ چندین گروه

از حزب اسلامی اجازه فعالیت سیاسی یافتند. بنابراین حزب اسلامی به شش جناح ارغندیوال، سباوون، خالد فاروقی، جریر، هلال، شوراهاى حزب اسلامی همدرد و جناح حکمتیار در خارج از افغانستان تقسیم شد. در این بین در حالی که حکمتیار دولت کابل را دست نشانده می دانست و بخش بزرگی از حزب نیز در کابل بودند و گاه حکمتیار آنان را خود فروخته می خواند. دامنه شکاف در وضعیت کنونی نیز در مورد مواردی چون موضوع عذرخواهی از مردم افغانستان به خاطر رفتارهای گذشته بین «قریب الرحمان سعید» و «امین کریم» وجود دارد. لذا حکمتیار در تحولات بعد از توافقنامه باید چند گونگی حزب اسلامی را اصلاح و اعتبار رهبر حزب اسلامی را احیا کند. اما واقعیت این است که هر چند حزب گروه های انشعابی از حزب اسلامی را غیرقانونی دانسته و خواهان لغو آنان است اما این امر مخالف با قانون اساسی کشور است و بسیاری از جناح های جدا شده چون حکمتیار سالمند نمی اندیشند. بنابراین یا باید حزب تغییرات نوینی انجام دهد و یا شیوه رهبری خانوادگی را دگرگون کند. این امر در حالی است که همه این تغییرات به ضرر حزب می باشد. در این بین باید توجه داشت که حزب حکمتیار پراکنده و ضعیف شده و برآوردهای بسیاری میزان حضور و نفوذ کنونی حزب حکمتیار در بین مردم افغانستان را در حد 5 درصد میدانند.

شخصیت و نوع رهبری حکمتیار:

هر چند حکمتیار در عید سعید قربان اعلام کرد آماده امضای موافقتنامه صلح با حکومت است و ادامه جنگ به نفع دشمنهای افغانستان است اما نوع تفکر انحصار طلبانه ای حکمتیار، مواضع متعدد در جریان سازش و جنگ مسلحانه، همراهی با داعش، آینده سهم خواهی از دولت در کابل و برگزاری انتخابات بر بنیاد سهم احزاب و.. میتواند بر آینده توافقنامه تاثیر گذارد. در این حال باید توجه داشت که هر چند در سالهای حکمتیار در فکر نوعی مصالحه با دولت مرکزی و مذاکره و صلح بوده، اما همزمان هم شرط هایی چون بیرون رفتن نیروهای خارجی از افغانستان، بنیان حکومت موقت، مسئولیت قضایی، بیرون رفتن نام اعضای حزب از لیست سیاه و رفع تحریم های بین المللی داشته است. در این بین امضای توافقنامه صلح بین حزب اسلامی و دولت کابل نیز با توجه به شخصیت و نوع رهبری حکمتیار می تواند در هر حوزه از موارد توافق و امتیاز به چالش عمده ای روبرو گردد.

رویکرد حزب جمعیت اسلامی و گسترده مخالفت های نهادهای مدنی و احزاب

در واقع نهادهای حقوق بشری و مدنی، مسوولان کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان، نهادهای جامعه مدنی، احزاب سیاسی، حزب همبستگی افغانستان، عبدبالرسول سیاف، یونس قانونی، مجددی و.. با تکیه

بر رویدادهایی چون جنایات جنگی حزب حکمتیار علیه توافق صلح با حکمتیار بوده اند. از این منظر در شرایط فعلی رهبران هزاره پیوستن حکمتیار با دولت را نمی پسندند نسل جدید در افغانستان حکمتیار را عامل اصلی تمام جنگ ها و کشته شدن دهها هزار کابلی می داند. گذشته از این جناح های قدرتمند در داخل نظام در گذشته با حزب اسلامی به رهبری حکمتیار درگیر جنگ بوده و برخی چون «احمد ولي مسعود» رئیس بنیاد «احمد شاه مسعود» توافقنامه صلح دولت کابل با حزب اسلامی گلبدين حکمتیار بیشتر شبیه ائتلاف می دانند. در همین راستا برخی نیز بر این نظرند که هدف اشرف غنی رئیس جمهور افغانستان از امضا این توافقنامه تضعیف دکتر عبدالله ریاست اجرایی است.

در این میان هر چند جمعیت اسلامی و دکتر عبدالله، و عطا محمد نور از مخالفت با امضای توافقنامه کنار رفته و سرانجام از پیوستن حکمتیار به روند صلح حمایت کرده اند، اما همچنان مخالفت های پیدا و پنهان موجود است و پتانسیل و بسترهای بسیار زیادی برای مخالفت با صلح با حکمتیار و ایفای نقش سیاسی در دولت در جامعه و شخصیت های افغانستانی وجود دارد. همین امر به نوبه خود چالش مهمی در ایفای نقش بیشتر حزب اسلامی در آینده خواهد بود.

نوع جهت گیری طالبان:

در سالهای گذشته حکمتیار تلاش نمود تا طالبان جناح وی به عنوان یک جناح مستقل بپذیرند اما طالبان پیوستن جناح های مختلف حزب به حکومت کابل را یک برنامه از جانب حکمتیار می دانست و حتی حکمتیار را ستون پنجم امریکا که از پشت خنجر می زند می دانست. در همین راستا درگیری هایی هم رخ داده بود. علاوه بر این موضع گیری های متناقض حکمتیار و رفتن به سوی القاعده و اسامه بن لادن و سپس داعش موجب نوعی بدبینی در بین طالبان شده است. در این بین اکنون نیز بین طالبان و حزب اسلامی مخالفت های فراوانی وجود دارد و طالبان (که خود را نیروی اصلی جهاد میدانند) حاضر به قدرت گرفتن حزب اسلامی در برابرش در مناطق پشتونی نخواهد شد. در این بین حتی اگر طالبان نیز در روند مذاکره به صلح میانجی گری حزب اسلامی را پذیرا باشد در واقع سهم اصلی کیک جنوب را خود می خواهد و حزب اسلامی را چندان نیرویی قابل توجه نمی داند. این نگاه از یک سو در حالت جنگ طالبان با کابل به تشدید تنش حزب اسلامی با طالبان می انجامد و از سوی دیگر صورت توافق طالبان با دولت به حزب آسیب خواهد زد.

ناتوانی دولت و زیاده خواهی آینده حزب

هر چند محمد اشرف غنی، امضای توافق نامه صلح میان دولت و حزب اسلامی را به مردم افغانستان تبریک گفت و از سایر گروه های مخالف مسلح خواست که وارد مذاکرات صلح شوند و در کنار آن حامد کرزی،

رئیس جمهور پیشین افغانستان از امضای توافقنامه استقبال کرد و شورای صلح و نجات افغانستان، دیده بان حقوق بشر، ابراهیمی» رئیس پارلمان افغانستان، بسیاری از نمایندگان مجلس سنای کشور حمایت از این توافقنامه صلح را اعلام کرده اند اما باید گفت در این موافقت ها سودهای بسیار امنیتی، اقتصادی و سیاسی و درک واقع بینانه تر حزب از شرایط و وضعیت کشور مورد توجه بوده است اما اگر وضعیت بعد از توافق ثابت نباشد بسیاری از موافقان میتوانند نظر خود را تغییر می دهند. در این بین مشکلات تکنیکی موافقتنامه صلح با حزب اسلامی و وجود اختلافهایی چون بر سر سپردن برخی امتیازات به رهبر حزب اسلامی چون مالی و سیاسی و نوع خواسته های پیشین و آتی حزب میتواند خود چالشی مهم در روند پس از توافق باشد. در واقع جایگاه آقای حکمتیار در امور سیاسی و کشورداری و چگونگی تعهد دو طرف به رعایت و احترام به قانون اساسی افغانستان در حالی مد نظر است که حتی خروج نام حکمتیار از فهرست سیاه سازمان ملل و مصونیت قضائی او از «عملکردهای سیاسی و نظامی» توسط کابل هم ممکن است با چالش روبرو باشد. در بعد دیگری اگر صلح با حزب اسلامی حکمتیار، نتواند به دولت کابل و روند مذاکرات صلح افغانستان کمک کند، توجه به نقش طالبان از اهمیت فزاینده ای برخوردار خواهد شد و از دامنه توجه و امتیاز به حزب اسلامی کاسته می شود.